

## بررسی تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران، فرانسه و انگلستان در حوزه مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود

محسن غلامی رزینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۹

احسان غلامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۲۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** در سیاست جنایی فرانسه و انگلستان، علاوه بر پلیس، دستگیری مرتکبان جرائم توسط شهروندان مبنای تاریخی دارد. در ایران نیز برای نخستین بار در تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ با وجود سه شرط (ارتکاب جرائم خاص، مشهود بودن جرم و عدم حضور ضابطان دادگستری)، حق انجام اقدامات لازم در جهت جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم به شهروندان محول شده است. لذا، در این پژوهش با توجه به ضرورت نحوه برخورد با جرائم مشهود با بهره‌گیری از فواید مطالعات تطبیقی به بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران، فرانسه و انگلستان در حوزه مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود پرداخته شده است.

**روش تحقیق:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش انجام توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات، تلفیقی از مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی است.

**یافته‌ها و نتایج:** نتایج پژوهش حاکیست که ماهیت جرم مشهود با ویژگی‌های مشترک در سیاست جنایی تقنینی فرانسه، انگلستان و ایران به‌منظور حفظ نظم عمومی و مصلحت اجتماع پذیرفته شده و در این نوع سیاست کیفری مقررات مشابهی نظیر «وقوع این جرم در مرئی و منظر پلیس یا مردم، ذکر مصادیق آن، هم‌زمان بودن تحقق و اثبات این‌گونه جرائم و عدم نیاز به اثبات آن» وجود دارد. همچنین، دو معیار کلی ارتکاب جرائم خاص و اصل ضرورت مهم‌ترین شرایط دستگیری شهروندی محسوب می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** جرائم مشهود، سیاست جنایی تقنینی، نظام حقوقی، مداخله پلیس و شهروندان.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نویسنده مسئول:

Mohsen.gholami63@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

## مقدمه

ریشه‌های تاریخی مداخله شهروندان در جرائم به انگلستان برمی‌گردد<sup>۱</sup>. زمانی که افسران قانون در این کشور کمیاب بوده یا دستگیری شهروندی در برخی مناطق آن امکان‌پذیر نبوده است (گاردنر و اندرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱۵۳). به واقع، در انگلستان قرون وسطی دستگیری شهروندی بخش مهمی از اجرای قانون توسط جامعه بود و تعقیب کیفری هنگامی آغاز می‌شد که یک شهروند، متهمی را به قاضی صلح معرفی می‌کرد. این شهروند می‌توانست خود، بزه‌دیده جرم یا شخصی باشد که مجرم را در حین ارتکاب جرم دستگیر کرده است (مهرا، ۱۳۹۲: ۷۹). در قانون حمورابی نیز شهروندانی که در محل ارتکاب قتل یا سرقت حضور داشتند، در صورت قصور در دستگیری مجرم، مسئول جبران خسارت قلمداد می‌شدند. در علت این‌گونه مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود می‌توان گفت که گردآوری ادله و بررسی آن‌ها در این نوع جرائم به مراتب آسان‌تر از جرائم غیرمشهود است. لذا، قانون‌گذار رعایت بعضی از قواعد را در مورد آن‌ها ضروری ندانسته است. البته، واقعیت آن است که ماهیت و فلسفه پیش‌بینی جرائم مشهود با اصل ضرورت، حفظ امنیت، فوریت در اجرا، جلوگیری از فرار متهم، تبانی یا امحاء آثار جرم‌گره خورده و در سیاست جنایی ایران، فرانسه و انگلستان در این جرائم روش غیرعادی و آئین رسیدگی سریع با حداقل تشریفات دادرسی پذیرفته شده است. اما به صراحت تعریف معین و مشخصی از جرائم مشهود بیان نشده و صرفاً مصادیقی از این‌گونه جرائم عنوان شده است. برای مثال، جرم مشهود در انگلستان معادل «Flagrant dilicto» و در فرانسه معادل «Flagrant delit» است که پایه و مبنای آن ضرورت، فوریت و سرعت است (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۶۳). البته در سیاست جنایی برخی از کشورها، مقنن با وجود شرایطی و به دلایل گوناگون علاوه بر اجازه دخالت به ضابطان دادگستری، به شهروندان عادی نیز اجازه دخالت و اعمال قوه قهریه را می‌دهد. به واقع، شهروندانی که دارندگان اصلی این حق هستند و آن را به حکومت واگذار کرده‌اند، این بار خود، مسئولیت احیای حقوق خود و اعاده نظم به حالت سابق را بر عهده می‌گیرند

۱ - برای مطالعه بیشتر در مورد قوانین و کشورهای که حق دستگیری شهروندی را به رسمیت شناخته‌اند: [http://en.wikipedia.org/wiki/Citizen's\\_arrest](http://en.wikipedia.org/wiki/Citizen's_arrest) ر.ک:

2 - Gardner and Anderson

(مهر، ۱۳۸۹: ۱۳۴). برای مثال، در ج.ا.ایران برای نخستین بار مقنن در تبصره یک ماده ۴۵ ق.ا.د.ک مصوب ۱۳۹۲، حق انجام این اقدام را برای شهروندان در نظر گرفته است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد قانون‌گذار در جرائم مشهود قصد داشته علاوه بر مداخله پلیس، با تدوین مقررات ویژه، حق جامعه را در این نوع جرائم مورد صیانت قرار دهد. این روش در عین اینکه با اصل لزوم حمایت حق اجتماع از طریق جلوگیری از محو دلایل و آثار ارتکاب جرم سازگاری دارد، سالب یا محدودکننده حق افراد هم نیست. لذا، در این پژوهش با توجه به ضرورت نحوه مداخله در جرائم مشهود با بهره‌گیری از فواید مطالعات تطبیقی به بررسی تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران، فرانسه و انگلستان در قلمرو مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز تلفیقی از مطالعات اسنادی و پیمایشی (کتابخانه‌ای) است.

### پیشینه تحقیق

اسپنسر، جی آر (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «آیین دادرسی کیفری در انگلستان»، به بررسی چگونگی تشخیص و رسیدگی به جرائم مشهود در نظام دادرسی کیفری انگلستان پرداخته و مداخله پلیس و شهروندان را در جرائم مشهود در موارد مشخص مجاز دانسته است. الیوت و ورنون (۱۳۸۲) نیز در تحقیقی با موضوع «نظام حقوقی فرانسه»، به بررسی نظام حقوقی فرانسه در مرحله دادرسی و دادگاه پرداخته و تبیین کرده که در انگلستان به جرائم مشهود به صورت ویژه رسیدگی می‌کنند و مراحل رسیدگی در آن متفاوت از جرائم غیرمشهود است.

شاکری و جدی حسینی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «چالش‌های دستگیری در پرتو نظام حقوقی ایران و انگلیس»، به مشکلات و چالش‌های موجود در دستگیری متهمان در ایران و انگلیس پرداخته و در این پژوهش نیز گذری بر نظام حقوقی فرانسه داشته است. همچنین، شریفی خضارتی (۱۳۸۷) در تحقیقی با موضوع «جرم مشهود در نظام حقوقی برخی کشورهای جهان»، به بررسی مصادیق و چگونگی مداخله مقامات رسمی و غیررسمی (مردم)

۱ - اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم

در جرائم مشهود پرداخته و در این راستا از نظام حقوقی کشورهای مانند فرانسه و انگلستان بهره برده است. مهرا و جهانی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان»، به چگونگی دستگیری متهمان جرائم مشهود پرداخته و به این نتیجه رسیده که دستگیری متهمان در این جرائم توسط مردم امکان پذیر است.

### ادبیات نظری و مفاهیم تحقیق

**مفهوم سیاست جنایی:** سیاست جنایی نخستین بار در کتاب حقوق کیفری «انسلم فون فوئر باخ» در سال ۱۸۰۳ مطرح شد. به اعتقاد وی، «مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه سیاست جنایی را باید در چرخه جنایی هر کشوری یافت و این چرخه جنایی از سه مرحله تشکیل شده است: مرحله اول، تعیین جرم است که مدیران و تصمیم‌گیران سیاست جنایی با ارزش‌گذاری برخی اعمال و برداشتن ارزش از برخی اعمال دیگر، جرائم را تبیین می‌کنند. مرحله دوم، تعیین کیفر برای هنجارهای ارزش‌گذاری شده است و مرحله سوم، واکنش جامعه علیه فعل یا ترک فعل ناقض قانون است که این واکنش در قالب تدابیر پیش‌گیرنده و تدابیر سرکوبنده است (احمدی، ۱۳۹۲: ۶۳۹). البته، با تحولات اساسی که پس از جنگ دوم جهانی به وقوع پیوسته، نگرش مضیق به سیاست جنایی جای خود را به مفهوم و نگاه موسع داده است. در مفهوم موسع، سیاست جنایی شامل کلیه اقدامات سرکوبگرانه (کیفری و غیر کیفری) و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه مدنی به صورت مستقل یا با مشارکت سازمان‌یافته، در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوب بزهکاران و نیز پیشگیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند (دل‌ماس، ۱۳۸۱: ۱۶).

**مفهوم مداخله پلیس و شهروندان در جرائم مشهود:** هر چند تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مقرر صریحی در سیاست جنایی ایران مبنی بر حق دستگیری یافت نمی‌شود، اما حقوقدانان دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح می‌کردند. عده‌ای این حق را به استناد نهادهای دیگر حقوق کیفری به رسمیت شناخته و برخی نیز عقیده بر عدم وجود این حق داشته‌اند. البته در یک نگاه کلی، مبانی و اهداف گوناگونی از جمله حفظ منافع و نظم عمومی، دسترسی به متهم و امکان اجرای عدالت، جلوگیری از

فرار و تبانی مرتکب، پیشگیری از تکرار جرم و حمایت از بزه‌دیده و بزهدار، توجیه‌کننده دستگیری و بازداشت متهمان است. علاوه بر موارد مذکور، حقوقدانان که متن صریحی را پیش‌روی خود نمی‌دیدند، سعی در توسل به مستندات دیگر برای توجیه حق دستگیری شهروندی داشته‌اند.<sup>۱</sup> همین اختلاف‌نظرها و نبود مستندات قانونی، مقنن را به سمت و سویی دلالت داد تا تبصره ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را برای پایان بخشیدن به این تشست آراء تدوین کند (مهر، ۱۳۹۵: ۲۱). در این تبصره، دو ضابطه کلی (جرم باید از جرائم مشهود باشد و ضابطان دادگستری در محل حضور نداشته باشند) برای امکان دستگیری شهروندی بیان شده است (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۲). همچنین، این تبصره بدون آنکه تعریفی از جرائم مشهود ارائه دهد، در ۷ بند به ذکر مصادیق آن پرداخته است. لذا هر چند شناسایی و تشخیص جرائم مشهود به سادگی امکان‌پذیر نیست، اما با تحقق سایر شرایط، چنانچه جرمی در زمره هر یک از بندهای این ماده قانونی قرار گرفت و شهروندان حق دستگیری متهمان را خواهند داشت؛ چراکه ضرورت، سرعت و فوریت اقدام در این نوع جرائم لازم است و تشریفات قضایی و پلیسی با طبع این جرائم ناسازگار است. البته با توجه به شرایط خاص حاکم بر جرائم مشهود، در سیاست کیفری ایران شرایط و مقررات ویژه‌ای برای رسیدگی به آن پیش‌بینی شده است. مشهود بودن این جرائم، مهم‌ترین شرط دستگیری مرتکبان آن برای ضابطان قضایی محسوب می‌شود و فلسفه اعطای اختیار ویژه به ضابطان در جرائم مشهود، عدم دسترسی به مقام قضایی برای کسب تکلیف است. هر چند به دلیل عدم صراحت قانونی، ضابطان فقط در مواردی که جرم با توجه به دلایل مادی، مشهود واقعی باشد، اقدام به دستگیری مرتکب می‌کنند (غلامی رزینی و غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بنابراین، در نظام حقوقی ایران براساس شرایط موجود در ماده ۲۱ ق.آ.د.ک، اگر مأموران متهم را تعقیب و در ادامه تعقیب وارد منزل وی شوند، بدون کسب اجازه از مقام قضایی می‌توانند وارد منزل شوند. البته طبق ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک، ضابطان بدون دستور قضایی زمانی مجاز به ورود به منزل و بازرسی از آن را دارند که دستگیری متهم از هتک حرمت منزل اشخاص

۱ - از جمله این مبانی و مستندات می‌توان به نهاد اجرای قانون اهم یعنی محاکمه و مجازات متهم، دفاع مشروع از خود یا دیگری که هر دو زیرمجموعه عوامل موجهه جرم هستند، ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ و حتی نهاد شرعی امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد.

مهم‌تر باشد؛ چراکه در سیاست جنایی ایران، جرم مشهود اینگونه بیان شده است: «جرمی است که در حال ارتکاب یا اندکی پس از زمان ارتکاب کشف شود و آثار و علائم جرم نیز قابل دیدن باشد». البته شرط اطلاق جرم مشهود را تحقق ضوابط خاص عنوان شده و مصادیق آن در ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است.<sup>۱</sup> نکته قابل ذکر در این مبحث این است که قانون‌گذار ایران جرم مشهود را تعریف نکرده و صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است. بنابراین، آثار ناشی از عدم تشخیص مصادیق جرم مشهود توسط ضابطان دادگستری بسیار زیاد است؛ چراکه در اغلب موارد، مبنا و اساس پرونده‌های کیفری در جرائم مشهود را اقدامات اولیه ضابطان قضایی تشکیل می‌دهند. با عنایت به اینکه ضابطان در مواجهه با جرائم مشهود به موجب مفاد مواد ۲۴ و ۱۸ رأساً صلاحیت دارند آزادی مادی (دستگیری و بازداشت متهمان) و آزادی معنوی (بازرسی منزل و غیره) مرتکبان جرائم مشهود را عندالزوم سلب کنند. اختیارات بیشتری از جمله اقدامات و تحقیقات فوری، ورود و تفتیش منازل، اماکن و اشخاص و نیز جلب اشخاص حتی بدون اجازه مقام قضایی و به‌طور کلی، جمع‌آوری دلایل به ضابطان واگذار شده است. هرچند به اندازه نظام حقوقی فرانسه و انگلستان، ضابطان دادگستری آزادی اقدام ندارد. اما باید ضابطان قضایی در تشخیص مصادیق جرائم مشهود، دستخوش خطاها و اشتباهات نشوند؛ چراکه در صورت اشتباه و تقصیر در تشخیص جرائم مشهود و دستگیری متهمان یا بازداشت و بازرسی غیرقانونی اشخاص، برابر قانون مجازات اسلامی مورد بازخواست و مجازات قرار خواهند گرفت.

۱ - ماده ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد:

- جرمی که در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شده یا بلافاصله مأموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص، معینی را مرتکب جرم معرفی کند.
- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.
- در موردی که صاحب‌خانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأموران را به خانه خود تقاضا کند.
- وقتی که متهم ولگرد باشد

در فرانسه، طبق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک، «اگر قاضی تحقیق قادر نباشد تمام اقدامات لازم را در خصوص انجام تحقیقات به عمل آورد، می‌تواند به افسران پلیس قضایی نیابت قضایی دهد. به طوری که آن‌ها بتوانند به انجام تحقیقات مورد لزوم در وضعیت موجود طبق قوانین بپردازند». البته، برخی از اقدامات را بدین طریق نمی‌شود به پلیس واگذار کرد. بلکه باید به قاضی دیگری واگذار شود، به ویژه صدور قرار بازداشت یا بازجویی از متهم. با این وجود، پلیس فرانسه اختیارات بیشتری از پلیس ایران دارد؛ زیرا آن‌ها اختیارات یک قاضی را اعمال می‌کنند. سیستم فرانسه، اختیارات مختلفی به پلیس و قضات بر حسب ماهیت جرم اعطاء می‌کند (الیوت و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۶۷). البته، نکته قابل توجه اینکه جرم مشهود در ماده ۵۳ ق.آ.د.ک فرانسه تعریف شده و شامل سه وضعیت زیر می‌شود:

- جرم در حال انجام باشد یا به تازگی انجام شده باشد؛
- در یک زمان خیلی نزدیک به ارتکاب جرم، شخصی مرتبط با جرم یافت شود؛
- صاحب‌خانه از پلیس یا دادستان، تقاضای تحقیق در چنین جرمی را بکنند (شریفی خضارتی، ۱۳۸۷: ۳۸).

بنابراین، می‌توان گفت که اولین شرط در سیاست جنایی فرانسه در زمینه مداخله در جرم مشهود این است که مقام قضایی با توجه به اعلام جرم یا دریافت شکایت نزد وی، قصد اقامه دعوی عمومی را نداشته باشد و بخواهد براساس ماده ۱-۴۰ قانون آیین دادرسی و در راستای اجرای مواد ۱-۴۱ یا ۲-۴۱ مبادرت به یک دادرسی جایگزین برای تعقیب کند و یا قصد بایگانی پرونده را داشته باشد. طبق ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک فرانسه در موارد ضرورت پلیس اختیار بازداشت افراد دارد. لذا هنگامی که فرد در شرف ارتکاب جرم بوده یا تهدیدی برای سلامت اشخاص یا اموال یا نظم عمومی به شمار می‌رود یا احتمالاً دارای اطلاعات مفیدی در مورد جرم است، می‌تواند به احراز هویت او بپردازد. به علاوه، دادستان می‌تواند محدوده‌ای را در یک زمان خاص مشخص کند که در آن پلیس از مردم

## 1. Elliott et al

۲- در سیاست جنایی ایران نیز براساس ماده ۸۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، تعلیق تعقیب متهم از سوی دادستان و در تبصره این ماده امکان درخواست این امر از سوی بازپرس به دادستان پیش‌بینی شده و براساس ماده ۸۰ مقام قضایی در راستای بایگانی کردن پرونده، قرار بایگانی صادر می‌کند.

بخواهد هویت خود را اثبات کنند.<sup>۱</sup> ماده ۳۷ قانون فرانسه در این زمینه مقرر می‌دارد: «مقررات این مواد در مورد جنحه مشهود در کلیه مواردی که قانون مجازات حبس پیش‌بینی کرده قابل اجرا است». البته، در اصلاحات دهه ۱۴۴۱، مواردی که صاحب‌خانه از درون خانه استمداد کند از موارد جرم مشهود حذف شده است. لذا مفهوم جرم مشهود در سیاست جنایی فرانسه با ماده ۲۲ ق.د.ک مقداری تغییر یافته است. جرم مشهود، نه تنها جرم در حال وقوع یا بلافاصله بعد از وقوع است، جرمی است که در گذشته مشهود تلقی می‌شد. علاوه بر این، بند ۱ ماده ۲۲ موردی را که رئیس منزل درخواست می‌کند که یک افسر پلیس وقوع جرمی را که در آنجا واقع شده، تأیید کند، به جرم مشهود تشبیه می‌کند. در فرانسه پلیس قضائی می‌تواند شخصاً یا براساس درخواست نهادهای قضائی نسبت به جستجوی مرتکبان جرم، تحقیق، مداخله و غیره اقدام کند. همچنین، در سیاست جنایی فرانسه، تصور ارتکاب جرم یکی از مواردی است که اشخاص عادی و مأموران پلیس عملاً اقدام به دستگیری اشخاص می‌کنند. به هر حال، جرم مشهود در فرانسه از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- جرم در حال انجام شدن است و یا مدت کمی از وقوع آن می‌گذرد؛
- هنگامی که مردم شخص مظنون را تعقیب می‌کنند؛
- هنگامی که اسباب و دلایل جرم در تصرف مظنون یافت شود یا نشانه‌ها و اماراتی دال بر اینکه وی در ارتکاب جرم دخالت داشته، موجود باشد (شعبه جنایی دیوان کشور فرانسه این مورد را نشانه‌های ظاهری یک رفتار بزهکارانه نامیده است). باید توجه داشت که این شواهد باید در زمان بسیار نزدیکی به وقوع جرم یافت شوند، اما این مسئله در عمل مشکل است و از این‌رو، راه‌حل باید منوط به پابرجا بودن ارزش نشانه‌ها باشد. بر این اساس، گاه گذشت ۳۶ ساعت از زمان وقوع قتل نیز جنایت را از شمول جرم مشهود خارج ن ساخته و در نتیجه دستگیری متهم بدون قرار بازداشت مجاز است؛
- تنها جنایات و جنحه‌هایی در گروه جرائم مشهود قرار می‌گیرند که مجازات آن‌ها حبس باشد. بنابراین، جنحه‌های دارای مجازات جزای نقدی و جرائم خلافی در گروه جرائم مشهود قرار نمی‌گیرند؛

۱ - مواد ۲۲ تا ۳۳ بعد قانون فرانسه به ذکر عملیاتی که در مورد جنایت مشهود به پلیس سپرده شده می‌پردازد.



- جرمی که در منزل اتفاق افتاده و ساکن آن از پلیس تقاضای ملاحظه و بررسی صحنه جرم را کند، نوعی جرم مشهود محسوب می‌شود (الیوت و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲: ۶۱).

البته هر چند در اصلاحات دهه ۹۰، مواردی که صاحب‌خانه از درون خانه استمداد می‌کند از شمول جرم مشهود به شرح مندرج در ماده ۵۳ ق.آ.د.ک فرانسه خارج شد، اما به هر حال، چنانچه از سوی ساکنان منزل تقاضای کمک شده باشد، پلیس می‌تواند به داخل منزل وارد شود. در حقوق پیش از انقلاب فرانسه نیز مجرمی که مرتکب جنایت مشهود می‌شد، بیشتر از مرتکب همان جنایت غیر مشهود مجازات می‌شد. اما در حال حاضر، حس انتقام‌جویی در این خصوص نباید شدید باشد و جزء در برخی شرایط و استثنائات خاص، مشهود بودن جرم موجب تشدید مجرمیت نمی‌شود. البته مشهود بودن جرم امکان اشتباه قضایی را از بین می‌برد و به همین جهت نیز تغییر صحنه جرم در مواقع ضروری ممنوع است. علاوه بر این در رویه قضائی فرانسه موارد زیر نیز به عنوان جرم مشهود تلقی می‌شوند؛ قبل از ثبت شکایت، بزه‌دیدة اطلاع داده است که جرم ارتکاب شده است یا ارتکاب خواهد شد.

در تجزیه و تحلیل این موضوع باید عنوان کرد که در فرانسه تنها جنایات و جنحه‌هایی در گروه جرائم مشهود قرار می‌گیرند که مجازات آن‌ها حبس باشد، بدین معنا نه جنحه‌هایی که مجازاتشان فقط جزای نقدی است و نه جرائم خلافی در گروه جرائم مشهود قرار نمی‌گیرند. بنابراین، کسی که مرتکب یک خلاف مشهود یا یک جنحه مشهود که مجازاتی غیر از حبس دارد، شود. علیرغم اینکه، جرم مشهود است (به صورت مشهود واقع شده)، اما پلیس حق دستگیری مرتکب آن را ندارد. بدیهی است این محدودیت در خصوص سایر اختیارات ضابطان در جرائم مشهود نیز صادق است. نکته حائز اهمیت این است که هر چند این جرائم (جنحه‌ای غیر حبس و خلافی) به صورت مشهود ارتکاب یافته است، اما چون در آیین دادرسی اختصاصی جرائم مشهود اختیارات ضابطان گسترده‌تر می‌شوند، قانون‌گذار فرانسه ترجیح داده است که فقط جرائم قابل توجه را در زمره جرائم مشهود قرار دهد. در واقع، مقنن در این مورد به نفع حقوق فردی، از حقوق جامعه اندکی چشم‌پوشی کرده است. افرادی که برابر ضوابط در جرائم مشهود تحت نظر قرار می‌گیرند، حداکثر باید ۱۲ ساعت

1. Elliott et al

توسط افسر پلیس قضایی تحت نظر باشند و در صورتی که نیاز به مدت بیشتری باشد، باید با هماهنگی مقام قضایی تمدید شود. البته پلیس در خصوص شخصی که به عنوان متهم به ارتکاب جرم دستگیر و تحت نظر قرار می‌گیرد، موظف به انجام اقداماتی است که در مجموع نوعی محدودیت محسوب می‌شوند و پلیس در هر صورت مکلف به رعایت آن‌هاست که تحت عنوان حقوق متهم ذکر می‌شوند.

نخستین تفاوت در شرایط اعمال تعقیب در ج.ا.ایران و فرانسه این است که در فرانسه، دادستان نیازی به گذشت شاکی (در صورتی که مشخص باشد) برای اتخاذ یک دادرسی جایگزین یا بایگانی پرونده ندارد. در صورتی که طبق مواد ۸۰ و ۸۱ ق.آ.د.ک ایران، اگر شاکی مشخص باشد، در صورتی دادستان می‌تواند قرار تعلیق تعقیب یا بایگانی پرونده را صادر کند که شاکی گذشت کرده باشد یا در خصوص تعلیق تعقیب، خسارت وارده جبران شده یا با موافقت بزه‌دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده باشد. با این وجود، در هر دو نظام حقوقی فرانسه و ایران اقدامات جایگزین تعقیب باید به شاکی (مدعی خصوصی) ابلاغ شود و به اطلاع آن‌ها برسد.

همچنین، قانون‌گذار انگلستان در قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۵۳۲ از مصادیق جرم مشهود استفاده کرده است. در این قانون همانند مقنن ایران برای شرایط و ضوابط جرم مشهود از اصطلاح «جلوگیری از فرار» استفاده شده است. البته اختیار دستگیری توسط پلیس مطلق نیست و نمی‌تواند هر زمان که بخواهد اشخاص را دستگیر کند. پلیس انگلیس همانند پلیس ایران، از طریق بازرسی و ضبط و توقیف دلایل و اموال می‌تواند مظنونان و متهمان به ارتکاب جرم را دستگیر کرده و آن‌ها را تحت بازداشت، محدود و مقید کند. برخلاف کشورهای دارای حقوق نوشته، حد و مرز قدرت پلیسی در متوقف کردن اشخاص روشن نبوده و استثناء و مبهم است. البته، دستگیری در جرم مشهود یکی از موارد دستگیری بدون اجازه قضایی محسوب می‌شود. پلیس حق دارد هرکسی را که مظنون به ارتکاب جرم است، متوقف کند. لذا هرگاه جرمی در مرئی و منظر مأمور یا در شرایطی مشابه آن واقع شود، پلیس می‌تواند مرتکب را متوقف کند (مهرا و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹).

در انگلستان مبحثی بنام جرم مشهود وجود ندارد. البته مستندات دستگیری متهم بدون

دستور قضایی در ماده ۲۲ اصلاحی قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ و ماده ۱۱۲ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵ عنوان شده است. در مقررات این کشور، شرط عدم فاصله بین زمان ارتکاب و اطلاع از جرم وجود ندارد و این به دلیل اختیارات وسیع پلیس است که خود در نقش مقام قضایی اقدام می‌کنند. معمولاً براساس ماده یک قانون تعقیب جرائم مصوب ۱۹۸۵ هم اداره دادستانی و هم پلیس می‌توانند به جرم واقع شده رسیدگی کنند (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ۶۲). شهروندان فعال و خوب نیز در دستگیری مرتکب جرائم مشهود مشارکت دارند و عمده اختیارات دستگیری توسط شهروندان در ماده ۱۱۱ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵ منعکس شده است. براساس یک قاعده کلی در کامن‌لا، هر شخصی می‌تواند دیگری را که در حال نقض نظم است دستگیر کند (مهر، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در این نظام حقوقی، طبق ماده ۲۲ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴، در هر موردی که ضابطان مظنونی را در حال ارتکاب یا در صدد ارتکاب یا مرتکب جرمی بدانند، مشروط به اینکه ظن معقول نسبت به وی را داشته باشند، می‌توانند او را دستگیر کنند. اما شهروندان طبق ماده ۲۲ مکرر ۱۹۸۴ و ۱۱۱ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید ۲۰۰۵، صرفاً زمانی می‌توانند اقدام به دستگیری کنند که یا بزهی در حال ارتکاب باشد (بند ۱ ماده مکرر قانون) یا در گذشته بزهی با تمام ارکان حادث شده باشد (بند ۲ ماده ۲۲ مکرر قانون ۱۹۸۴). البته در بعضی موارد به وجود ظن متعارف مأمور نیاز است و در مواردی حتی اگر مأمور هیچ ظن متعارفی نیز نسبت به شخص نداشته باشد و اقدام به سلب آزادی از وی کند، مورد حمایت قانون است. هر چند آزادی عمد و اختیار ضابطان در این کشور بیشتر است. اما قانون‌گذار، ظنی را که براساس امارات منطقی باشد، مبنای دستگیری قرار داده و در این زمینه خیلی سختگیری به عمل نیاورده است. البته، طبق ماده ۱۱۲ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید، دستگیری زمانی موجه است که یک ضرورت قانونی برای این اقدام وجود داشته باشد. باید توجه داشت که این عدم سختگیری و پذیرش انعطاف‌پذیری معیار متعارف بودن ظن، جهت رفع مشکلاتی است که افسران پلیس در اتخاذ تصمیم‌آنی به سبب فوریت با آن مواجه هستند (فلدمن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲: ۳۳۲). برخلاف قوانین ایران که اگر مأمور بر خلاق قرائن و شواهد اقناع‌آور کسی را دستگیر کنند مورد اتهام قرار می‌گیرد.

---

1. Feldman



در ارزیابی و تحلیل شرایط جرم مشهود در سیاست جنایی انگلستان می‌توان چنین اذعان کرد که وجود دو شرط برای دستگیری شهروندی در قانون پلیس و جرائم سازمان‌یافته شدید مصوب ۲۰۰۵، نشانگر ضابطه ضرورت این امر مهم است؛ اول، اینکه شهروند باید معتقد باشد که انجام دستگیری توسط پلیس به‌طور متعارف، امکان‌پذیر نیست و دوم، اینکه شهروند باید مبانی متعارفی برای اعتقاد به اینکه دستگیری به یکی از دلایل ذیل ضروری است، داشته باشد. جلوگیری از ایراد صدمه فیزیکی به هر شخص یا اتلاف یا تخریب اموال توسط شخص دستگیرشده، حمایت شخص دستگیرشده نسبت به ایجاد صدمه به خود و جلوگیری از فرار وی پیش از آنکه پلیس بتواند مسئولیت او را بپذیرد.

لازم به ذکر است این محدودیت برای پلیس وجود ندارد؛ بلکه وی می‌تواند با وجود ظن معقول به ارتکاب جرم یا تقصیر شخص، اقدام به دستگیری و توقیف کند. به واقع، معیار دستگیری توسط پلیس وجود دلایل منطقی برای مظنون بودن است، حتی چنانچه بعداً مشخص شود که جرمی ارتکاب نیافته است، افسر پلیس مسئولیتی نخواهد داشت. اما شهروندان فقط در فرض ارتکاب واقعی جرم، مجاز به دستگیری هستند و در صورت اشتباه، ممکن است با مشکلاتی مواجه شوند که در مورد افسران پلیس صدق نمی‌کند (مهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۱).

نکته دیگر اینکه، ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرائم سازمان‌یافته شدید ۲۰۰۵، ضمن حفظ اختیارات موجود در ماده ۲۴ پیش‌گفته، در برخی موارد آن‌ها را گسترش داده است. به گونه‌ای که کاربرد آن را از جرائم قابل دستگیری به همه جرائم با کیفرخواست توسعه داده است. بنابراین، شهروندان ممکن است بدون حکم بازداشت، شخصی که در حال ارتکاب یا به دلایل معقول متهم به ارتکاب یک جرم با کیفرخواست است را دستگیر کنند. لازم به ذکر است در انگلستان جرائم از منظر شیوه رسیدگی و دادگاه صالح به سه دسته جرائم اختصاری، جرائم با کیفرخواست و جرائم دو وجهی تقسیم می‌شوند و شهروندان فقط در جرائم با کیفرخواست حق دستگیری متهمان را دارند. قانون‌گذار ایران نیز همانند نظام حقوقی انگلستان در همه جرائم به شهروندان اجازه مداخله و انجام اقدامات لازم در خصوص جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم را نداده و تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، جرائم مشمول

این تبصره را مقید به جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده<sup>۱</sup>(۳۰۲) این قانون کرده است (شاکری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶).

البته رسیدگی به همهٔ این جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری یک نیست. برای مثال، طبق ماده<sup>۲</sup> ۳۰۳ ق.آ.د.ک، رسیدگی به جرائم محاربه و افساد فی الارض در صلاحیت دادگاه انقلاب است. همچنین، در حقوق کیفری ایران برای برخی جرائم، کیفر حبس ابد پیش‌بینی شده است. از جمله این موارد می‌توان به احکام حبس ابد تعزیری در قانون مبارزه با مواد مخدر یا حبس ابد سرقت حدی برای بار سوم اشاره کرد. در این‌گونه جرائم نیز شهروندان اختیارات پلیسی پیش‌گفته را دارند. کیفر قطع عضو هم فقط در جرائم محاربه و سرقت حدی مرتبه اول و دوم وجود دارد. منظور از جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی نیز جنایت بر اعضای بدن است که مجازات اصلی آن قصاص است، ولی با وجود شرایطی امکان تبدیل آن به دیه یا تعزیر وجود دارد. دستهٔ پایانی از جرائمی که حق دستگیری شهروندی به اشخاص داده شده، جرائم موجب مجازات تعزیری درجهٔ سه و بالاتر است. در ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرائم تعزیری با تفاوت‌هایی در مقایسه با گذشته همراه شده که از جمله این تفاوت‌ها می‌توان از حذف عنوان جرائم بازدارنده از قانون و تقسیم جرائم تعزیری به هشت درجه مختلف نام برد. به هر حال، گسترهٔ شمول این جرائم به حدی زیاد است. در جرائمی مانند قتل عمد که مجازات آن تا حدودی مشخص است، این تفویض اختیار منطقی می‌کند، اما در بسیاری از جرائم این ابهام وجود دارد که اولاً، عموم مردم از جرائم و مجازات آن به‌طور دقیق آگاه نیستند؛ ثانیاً، ضابطه تشخیص نوع مجازات نیز مشخص نیست. برای مثال، در جرائم مواد مخدر، میزان دقیق مادهٔ مخدر در تعیین نوع و میزان مجازات اهمیت دارد یا تعیین درجه‌بندی مجازات تعزیری به سادگی امکان‌پذیر نیست. با همهٔ این ابهامات، اهمیت حفظ نظم عمومی، جلوگیری از فرار اشخاصی که این نظم را نادیده گرفته‌اند و جلب مشارکت عامهٔ مردم در رسیدگی‌های کیفری و اجرای عدالت، قانون‌گذار را ترغیب به تدوین و تصویب چنین حکمی کرده و این حق را

---

۱ - ماده<sup>۳</sup> ۳۰۲ مقرر می‌دارد به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف) جرائم موجب مجازات سلب حیات؛ ب) جرائم موجب حبس ابد؛ پ) جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیهٔ کامل یا بیش از آن؛ ت) جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛ ث) جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

به مردم اعطاء کرده تا در جرائمی خاص بتوانند نسبت به دستگیری متهم و انجام پاره‌ای از اقدامات در راستای کشف و تعقیب جرائم اقدام کنند. اما در این حوزه شفاف بودن مفاد قانون اهمیت زیادی دارد. حال آنکه با بررسی جرائم و مجازات پیشین، محدوده و مصادیق آن‌ها به صورت دقیق مشخص نیست و مسئولیت اشخاص در صورت اشتباه مشخص نشده است. بنابراین، شایسته بود که مقنن از ارجاع به ماده ۳۰۲ قانون خودداری می‌کرد و خود به صورت دقیق‌تر جرائم مقصود را احصاء می‌کرد. همچنان که در سیاست جنایی انگلستان مصادیق جرائم با کیفرخواست تا حدود زیادی مشخص است (مهرآ و همکاران، ۵۱).

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در سیاست جنایی ایران، فرانسه و انگلستان، ضابطان فقط با شرایط خاصی می‌توانند متهم جرم مشهود را دستگیر و تحت نظر داشته باشند. در صورت ضرورت و نیاز به مدت بیشتر، باید با اجازه کتبی مقام قضایی باشد؛ چراکه در سیاست جنایی، بازداشت یک محدودیت آشکار بر آزادی شهروندان است و باید همراه با شرایط و ضوابط خاص و در محدوده تعیین شده قانون باشد و از آیین و قاعده خاصی پیروی شود.

بررسی و تحلیل جرم مشهود نشان می‌دهد که در سیاست جنایی کشورهای مورد مطالعه، دستگیری توسط اشخاص خصوصی محدود است. ماده ۲۴ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ که اولین و مهم‌ترین قانون نوین در این زمینه است به صراحت، شرایط دستگیری و بازداشت را هم برای پلیس و هم دیگر شهروندان بیان کرده و مقرر می‌دارد: «هر کس می‌تواند شخصی را که ظن معقولی وجود دارد که در حال ارتکاب یک جرم قابل دستگیری است و یا اینکه واقعاً در حال ارتکاب چنین جرمی است یا هر شخص دیگری را که یک جرم قابل دستگیری مرتکب شده و یا ظن معقولی وجود دارد که چنین جرمی را مرتکب شده است، دستگیر کند». همچنین، تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، در مقام تدوین حق مداخله و دستگیری شهروندان مقرر می‌دارد: «چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان

دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب را دارند». بررسی این مواد قانونی نشان می‌دهد که دو شرط امکان مداخله در جرائم و زمان خاص و ضرورت دستگیری با تفاوت‌هایی در گفتار مقنن، مهم‌ترین شرایط برای تحقق حق دستگیری شهروندی است. مقنن ایران در این تبصره برای تعیین حدود اختیار شهروندان در برخورد با جرائم، اصطلاح «اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم» را به کار برده است. بی‌شک یکی از مهم‌ترین مصادیق این تبصره، حق دستگیری شهروندی است. پس اگر جلوگیری از فرار مرتکب به طریق دیگری امکان‌پذیر نباشد، شهروندان حق دستگیری و بازداشت وی را خواهند داشت. البته به نظر می‌رسد همانند فرانسه و انگلستان و طبق اصول کلی، مدت این بازداشت نامعین نیست و به محض امکان یا حضور پلیس در صحنه جرم، متهم باید در اختیار این نیرو قرار گیرد تا تشریفات قانونی لازم انجام شود. یافته‌های این پژوهش حاکیست که در این نوع سیاست جنایی، اختیارات شهروندان عادی است. هر چند در نگاه اول، توجه به مبانی اعطای این حق به اشخاص عادی، چنین حکم می‌کند که آن‌ها از بیش‌ترین اختیارات لازم در این حوزه برخوردار باشند. اما واگذاری اختیار نامحدود با ماهیت استثنایی و حداقلی بودن اعطای این حق مغایر است؛ چراکه قانون‌گذار حتی به ضابطان دادگستری، در غیر جرائم مشهود چنین صلاحیتی اعطاء نکرده است. همچنین، این اختیارات گسترده برخلاف حقوق متهم ارزیابی می‌شود. ضمن اینکه تفسیر موسع باب سوءاستفاده از آن را خواهد گشود.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکیست که در سیاست جنایی تقنینی فرانسه چون تنها جنبه‌های دارای حبس و جنایات در زمره جرائم مشهود قرار می‌گیرند، بالتبع، فقط اجازه دستگیری و بازداشت مرتکبان این جرائم وجود دارد. اما در سیاست جنایی تقنینی ایران چون این تقسیم‌بندی جرائم (براساس جنایت، جنحه و خلاف) وجود ندارد، در تمامی جرائم، ضابطان حق دستگیری و بازداشت متهم را دارند. بنابراین، مقنن ایران در این زمینه محدودیت کمتری قائل شده است. البته، مطابق قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ضابطان در جرائم مشهود منافی عفت و جرائم مشهود اطفال محدودیت‌های دارند. قانون‌گذار اجازه تعقیب و تحقیق در این دسته از جرائم را محدود به موارد جرم مشهود یا شاکی

خصوصی کرده است. البته، چنین تبصره‌ای در نظام حقوقی فرانسه و انگلستان وجود ندارد. بررسی و تحلیل نحوه مداخله پلیس و شهروندان در دستگیری متهمان جرم مشهود نشان می‌دهد که مقنن سیاست جنایی مشارکتی را در این نوع جرائم مدنظر دارد. البته شرایط مداخله و موارد قابل اقدام توسط شهروندان متفاوت است. در سیاست جنایی تقنینی ایران طبق تبصره یک ماده ۴۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک، ولی در سیاست جنایی تقنینی انگلستان طبق ماده ۱۱۲ قانون پلیس و جرم سازمان یافته‌شدید ۲۰۰۵، جرائم همراه با کیفرخواست به عنوان شرط اقدام شهروندان است. همچنین، موضوع اصل ضرورت دستگیری به عنوان یک اصل مترقی در دستگیری شهروندی در سیاست تقنینی ایران، فرانسه و انگلستان وجود دارد. همچنین، در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار به منظور تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان در برابر بزهکاران و ناقضان قانون، در مواردی که ضرورت ایجاب می‌کند و امکان دسترسی به مقام قضایی نیست، با ذکر مصادیق جرم مشهود به صورت استثنایی اختیارات ویژه‌ای نظیر جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم را به مقامات غیرقضایی ضابطان و شهروندان اعطاء کرده است. در فرانسه مصادیق جرم مشهود مشابه موارد مندرج در ایران است. با این حال، در اصلاحات دهه ۱۹۹۰، مواردی که صاحب‌خانه از درون عهده‌دار آن می‌شود، نمی‌تواند متجاوز از هشت روز باشد. تفاوت دیگر در این زمینه، ضرورت مطلع ساختن دادستان از سوی افسر پلیس در فرانسه قبل از حرکت به سوی محل ارتکاب جرم است. در فرانسه، افرادی که در صحنه جرم حضور دارند، موظفاند از هرگونه اقدامی که مانع انجام دادن و پیشبرد صحیح تحقیقات شود (از قبیل دست‌کاری یا جابه‌جا کردن اشیاء) خودداری کنند. چنانچه این‌گونه اقدامات با هدف ایجاد مانع در انجام تحقیق صورت گیرد، به استناد بند ۲ ماده ۵۵ ق.آ.د.ک. فرانسه، مجازات زندان از سه ماه تا سه سال و جزای نقدی از ۶ هزار تا ۱۵ هزار فرانک منظور شده است. در ق.آ.د.ک ایران، همانند فرانسه نه تنها در جرائم مشهود اختیارات وسیع‌تری برای ضابطان منظور شده، بلکه آن‌ها مکلفاند تا قبل از مداخله مقام تعقیب یا تحقیق، کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار، فرار متهم و کلاً هرگونه تحقیق یا اقدامی که ضروری باشد به عمل آورده و نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام قضایی برسانند. حال چنانچه در جرائم مشهود



بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام را با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ کنند و در اولین فرصت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. اما در انگلستان مبحثی بنام جرم مشهود وجود ندارد و اختیار دستگیری بدون دستور قضایی برای پلیس در همه جرائم و برای شهروندان در جرائم همراه با کیفرخواست بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی بین ارتکاب جرم و اطلاع از وقوع آن وجود دارد. همچنین، قانون‌گذار راه تعادل و توازن را در اعطاء اختیارات گسترده‌تر به نهاد پلیس می‌داند تا جایی که خود مأموران می‌توانند در نقش نهاد تعقیب در مراحل قبل، حین و بعد از وقوع جرم و بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی بین وقوع جرم و اطلاع از آن، پاسخ مناسب را تشخیص و اقدام کند. همچنین، مقنن مقدمات اجرایی شدن سیاست جنایی افتراقی را در وجود ظن متعارف و امکان تفسیر موسع آن در جرائم مهم مانند جرائم تروریستی و تفسیر مضیق آن در جرائم عادی و اختیار سلب آزادی و محدودیت در رفت و آمد افراد در مرحله قبل از وقوع جرم برای مقامات پلیس می‌داند. به نظر دلیل اصلی و عام چنین دیدگاهی در نزد نهاد تقنینی ایران و انگلستان، مشروعیت تحصیل دلیل در حقوق ایران و قاعده معتبر ناشناختن ادله غیرمشروع در انگلستان باشد؛ جایی که تضمین رعایت حقوق فردی و احترام به کرامت انسانی و نیز حفظ شأن دادگستری در فرآیند تحصیل دلیل را در آن دیده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

رسیدگی سریع و لزوم فوریت در جرم مشهود تحت تأثیر «اصل ضرورت و حفظ نظم عمومی» است. این جرم از تشریفات رسمی قضایی فارغ است. بنابراین، این موضوع که جرم در مرئی و منظر مأمور پلیس یا مردم واقع شود از جمله وحدت‌نظر و اشتراکی است که در سیاست جنایی ایران، فرانسه و انگلستان در مورد جرم مشهود وجود دارد. در سایر مصادیق، دیدگاه، رویکرد و طرز تفکر قانون‌گذاران متفاوت است؛ چراکه حالت، شرایط و حدود اختیارات ضابطان و مردم و مصادیق جرم مشهود به عنوان یک ویژگی مشترک نه تنها در سیاست جنایی ایران، بلکه در فرانسه و انگلستان نیز وجود دارد.

مقنن ایران از تعریف جرم مشهود شانه خالی کرده و با تعیین چند ضابطه و معیار از جمله

نزدیک بودن زمان وقوع جرم، تنها به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده و بزه ارتكابی را به وسیله ظن‌های معتبر و قوی در حکم مشهود دانسته است. چنین وضعیتی در سیاست جنایی فرانسه و انگلستان وجود نداشته و این مصادیق جرم مشهود تلقی نمی‌شوند.

سیاست جنایی ایران همانند فرانسه و انگلستان در قلمرو جرائم مشهود برای ضابطان اختیارات ویژه‌ای را به رسمیت شناخته و اختیارات مأموران در زمینه حفظ آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم در این جرائم بیشتر از سایر جرائم است.

در صورتی که متهم ولگرد باشد و دارای شهرت و سابقه سوء کیفری در محل باشد، از تفاوت بارز مصادیق جرم مشهود در سیاست جنایی تقنینی ایران با فرانسه و انگلستان است. تفاوت دیگر اینکه در نظام حقوقی فرانسه جنایات و جنحه‌های دارای مجازات حبس در زمره جرائم مشهود قرار می‌گیرند. اما در ایران به دلیل تقسیم جرائم به حدود، قصاص و غیره این تحدید گستره جرائم وجود ندارد.

به نظر می‌رسد مقنن ایران برخلاف قانون‌گذاران فرانسه و انگلستان در جرائم مشهود قصد داشته است از طریق توسعه حد شمول اختیارات مأموران پلیس، حق جامعه را بیشتر مورد صیانت قرار دهد. البته، روش او منطقی به نظر می‌رسد؛ چراکه در عین اینکه با اصل «لزوم حمایت از حق اجتماع از طریق جلوگیری از محو دلایل و آثار ارتكاب جرم» سازگاری دارد، سالب یا محدودکننده حق افراد نیز نیست.

برخلاف انگلستان، در قانون فرانسه نیز مصادیق جرم مشهود تا حدود زیادی شبیه به موارد مندرج در قانون ایران است. مطابق ماده ۲۲ ق.آ.د.ک فرانسه، جنایت یا جنحه‌ای مشهود محسوب می‌شود که هم‌اکنون ارتكاب شود یا لحظاتی قبل، ارتكاب شده باشد. همچنین، هنگامی که در یک زمان نزدیک به وقوع عمل، شخص مظنون با جنجال و سر و صدای مردم تحت تعقیب قرار گیرد یا در حالی که اشیایی در تصرف او است و آثار و قرائن موجود، این تصور را ایجاد می‌کنند که وی در ارتكاب جرم شرکت داشته است، جنایت یا جنحه مشهود محسوب می‌شود.

در سیاست جنایی ایران، حدود اختیار شهروندان در برخورد با جرائم محدود به دستگیری نیست و از این جهت نسبت به نظام حقوقی انگلستان محدودده بیشتری را در بر می‌گیرد.

همچنین، در خصوص حق آگاهی متهم و وظیفهٔ ابلاغ دلایل دستگیری به وی از سوی شهروندان، قانون ایران ساکت است. بنابراین، می‌توان اذعان کرد که بدون مستند قانونی و سازوکار مشخص نمی‌توان چنین تکلیفی را بر عهدهٔ شهروندان گذاشت. هر چند، در عمل منطق حکم می‌کند هر شخصی که دیگری را دستگیر کرد دلایل دستگیری را نیز به او تفهیم کند. از مفاد تبصرهٔ یک مادهٔ ۴۵ ق.آ.د.ک و همچنین صدر ماده در خصوص مصادیق جرائم مشهود چنین استنباط می‌شود که همچون سیاست جنایی فرانسه و انگلستان، رویکرد مقنن ایران نیز تنها در دو فرض «ارتکاب جرم در گذشته» و یا «حالتی که متهم در حال ارتکاب جرم باشد» حق دستگیری وجود دارد و نسبت به جرائم آتی چنین اختیاری نیست. از منظر حدود اختیارات نیز می‌توان گفت که مقنن انگلستان به اعطای حداقل اختیار (همان دستگیری برای شهروندان عادی) اکتفا کرده است. در حالی که قانون‌گذار ایران فقط به حق اقدامات لازم برای جلوگیری از فرار مرتکب و دستگیری نظر نداشته و با آوردن اصطلاح کلی، حدود اختیارات شهروندان را افزایش داده است.

### پیشنهادها

- پیش‌بینی حق دستگیری شهروندی آن هم به عنوان یک تبصره از یک مادهٔ قانونی در سیاست جنایی تقنینی ایران امری ناکارآمد و قابل انتقاد است. شایسته است مقنن در بازنگری و اصلاحات این قانون طی چند ماده، مصادیق دقیق جرائم قابل دستگیری را مشخص و از ارجاع به ماده‌ای دیگر خودداری و مدت و محل سلب آزادی را مشخص کند.
- نظر به اینکه قانون‌گذار فرانسه با توجه به فرهنگ حاکم بر آن کشور و سیاست‌های جنایی خاص خود، احکام جرم مشهود را وضع کرده است، پیشنهاد می‌شود مقنن ایران نیز در سیاست جنایی خود، فرهنگ ایرانی و مبانی اسلامی و بومی را در جرم‌انگاری این جرم مدنظر قرار دهد.
- با توجه به اینکه مصداق ولگرد بودن متهم و کسی که سابقهٔ سوء کیفری داشته و به این امر در آن محل شهرت داشته باشد، توجیه مناسبی برای جرم مشهود نیست، پیشنهاد می‌شود به جهت رفع ابهامات موجود در این زمینه، این بند از مصادیق جرم مشهود حذف شود.

- در سیاست جنایی تقنینی ایران صرفاً اجازه دستگیری مرتکب توسط شهروندان در برخی از جرائم خاص داده شده است. پیشنهاد می‌شود در این زمینه نیز چاره‌اندیشی شود.

- هر چند تصریح به حق دستگیری توسط اشخاص عادی به عنوان رویکرد مثبت مقنن ایران محسوب می‌شود، اما از آنجا که ابهامات موجود می‌تواند از یک‌سو، مشارکت شهروندان را کاهش دهد و از دیگر سو، احتمال سوءاستفاده از این حق را افزایش دهد، بازنگری و اصلاح این نوع سیاست جنایی ضرورت دارد. این بازنگری می‌تواند در راستای ابهام‌زدایی از مواردی مانند ضابطه‌مند کردن حدود اختیارات شخص دستگیرکننده و نوع مسئولیت قانونی وی در صورت اشتباه، تصریح کردن حقوق دفاعی و تأمین شهروند دستگیرشده، مصادیق جرائم قابل دستگیری و غیره باشد.

- نظر به اینکه مقررات ویژه جرم مشهود اقتضاء می‌کند که ضابطان در سلب آزادی مرتکب، دستگیری او، هتک حرمت، ورود به منزل و غیره به صورت قانونی عمل کنند. پیشنهاد می‌شود ناجا و قوه قضائیه از طریق کارگاه‌های آموزشی، بروشور، مجله و غیره این ضوابط و مقررات را به صورت شفاف و روشن به ضابطان منتقل کنند.

## منابع

## منابع فارسی

- احمدی، احمد (۱۳۹۲). جهانی شدن جرم و تغییر استراتژی نظام‌های حقوق کیفری ملی. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم). تهران: میزان.
- اسپنسر، جی آر (۱۳۸۴). آیین دادرسی کیفری در انگلستان (محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلما مقدادی، مترجمان). تهران: انتشارات جنگل. چاپ اول.
- الیوت، کاترین و ورنون، کاترین (۱۳۸۲). نظام حقوقی فرانسه (صفر بیگ زاده، مترجم). تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.
- انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی. تهران: انتشارات سمت.
- دلماس-مارتی، می ری (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی (علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم). جلد نخست. تهران: انتشارات میزان.
- شاکری، اوجدی حسینی (۱۳۹۱). چالش‌های دستگیری در پرتو نظام حقوقی ایران و انگلیس. فصلنامه دانش انتظامی.
- شریفی خضارتی، امیر (۱۳۸۷). جرم مشهود در نظام حقوقی برخی کشورهای جهان. ماهنامه دادگستر. ۵ (۳۲).
- غلامی رزینی، محسن و غلامی، حسین (۱۳۹۰). حقوق شهروندی در فرآیند عدالت کیفری ایران. فصلنامه دانش انتظامی. ۱۳ (۳).
- مهرا، نسرين (۱۳۹۲). دانشنامه حقوق کیفری انگلستان. تهران: انتشارات میزان. چاپ اول.
- مهرا، نسرين، جهانی، ب، (بهار ۱۳۹۵). دستگیری شهروندی در حقوق ایران و انگلستان. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. سال چهارم، شماره چهاردهم.
- هیئت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۸۹). نظام حقوقی انگلستان (نسرين مهرا، مترجم). تهران: نشر میزان. چاپ دوم.



### منابع انگلیسی

- B.Orfeild-Lester (2005). Criminal procedure from arrest to appeal. The law book exchange LTD.
- Bell, John, Sophie, Boyron & Simon Whittalher (1998). Principles of French Law, New York: Oxford University Press.
- Feldman, David. (2002). Civil liberties and human rights in England.